



طراحی مفهومی پوشیدنی بانوان با الهام از چالش‌های اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه

علیرضا اژدری^{۱*}، سپیده سوری تویسرکانی^۲

۱ عضو هیات علمی رشته طراحی صنعتی دانشگاه تهران

۲ فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی رشته طراحی صنعتی دانشگاه تهران

Email: alireza.ajdari@ut.ac.ir^{۱*}, sepideh.sori.toe@gmail.com^۲

چکیده

این مقاله، تلاشی در جهت ساخت پلی بین مد مفهومی، طراحی مفهومی و علوم اجتماعی است. احساس نگارنده این است که به عنوان یک طراح ساکن خاورمیانه، باید از ضعف پژوهش در حوزه علوم اجتماعی و نحوه الهام‌گیری از آن در طراحی آگاهی داشت تا بتوان به طراحی مطلوب دست یافت. در این پژوهش چالش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان خاورمیانه به عنوان منبع الهام انتخاب شدند و روش طراحی دانش بنیان (روش اولیه استودیو لابراتوار دلفت هلند) به عنوان روش طراحی انتخاب شد. پنج چالش: استبداد، تبعیض جنسیتی، تروریسم، استعمار و مهاجرت به عنوان چالش‌های زنان خاورمیانه انتخاب شدند. براساس آن مطالعات بیانیه رسالتی از سوی طراح برای خلق اثر طراحی نگاشته شد و مضاف بر آن از روش طراحی الگومحور و خلق نقشه‌های ادراکی به عنوان کمکی به مانیفست‌سازی (رسالت‌پردازی) استفاده شد تا یافته‌های طراحی بهتر به منصفه ظهور برسد. یافته‌های طراحی از یکسو چنین نشان می‌دهد که فقدان مکالمه میان گروه‌های مختلف جامعه و نپذیرفتن منطق مکالمه لطمه بزرگی به اصطلاحات ممکن از سوی طراحی زده است و از سوی دیگر برای رسیدن به طراحی مطلوب، باید فراسوی دوگانگی‌های تصنعی تحمیل شده از سوی تمدن غرب به شرق حرکت کرد تا بتوان جایگاه مطلوب زنان در جامعه احیا شده و به تبع آن پوشاک بانوان نیز به عنوان رسانه‌ای برای احیاء این جایگاه نمود پیدا کند. پس از تدوین مانیفست، حرکت تدریجی از مفهوم به فرم با ساخت کولازهای تصویری با این مفاهیم انجام گرفت و براین اساس مجموعه‌ای از پوشاک در دو دسته طراحی انتقادی و طراحی مثبت به معرض آزمایش گذاشته شد تا بر اساس آن راهکارهای طراحی به منصفه عمل گذاشته شود. در تحلیل محتوایی پوشاک می‌توان به دو چهره متضاد بین انعطاف در برابر سنت و تحجر که به تصویر کشیده شده است، اشاره کرد. ارزش این مقاله برای طراح‌پژوهانی می‌باشد که می‌خواهند به صورتی زیرساختی به خلق دستاوردهای طراحی‌محور بپردازند و به تحول در جامعه فکر کنند.

واژگان کلیدی: طراحی مفهومی، طراحی الگومحور، خاورمیانه، منطق مکالمه، پوشاک

مقدمه

پیش‌نگاشت و انگیزه‌ی انتخاب موضوع

موضوع اصلی، که این مقاله حول محور آن شکل گرفته است، چالش‌های اجتماعی فرهنگی منطقه‌ی خاورمیانه است که خود نیز متولد و ساکن آن هستیم. خاورمیانه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان در حوزه هنر، فرهنگ و جامعه‌شناسی است. به دلیل سابقه‌ی طولانی این منطقه در شکل‌گیری تمدن و ادیان و تأثیری که بر جهان داشته است و همچنین موقعیت جغرافیایی‌اش به



عنوان ارتباط‌دهنده‌ی شرق و غرب، این دغدغه و تجربه‌ی شخصی، پتانسیل تبدیل شدن به مسئله‌ای مناسب و در انتها راه حل طراحی مفید را دارد که الهام‌بخش طراحی هستند.

مابه عنوان یک طراح در خاورمیانه (به خصوص طراح زن - مؤلف دوم)، دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی زیادی داشته‌ایم که برخاسته از برخوردهایی است که بین توده‌های مختلف مردم در جامعه می‌بینیم و از آنجایی که خاورمیانه را منطقه‌ای عاری از فرهنگ و تمدن نمی‌دانیم، وضعیت پرچالش کنونی، بسیار برای ما آزاردهنده است. این دغدغه‌ی ذهنی در نهایت تبدیل به موضوع مقاله شد تا بتوانیم قدمی مثبت برداریم و در خصوص بالاتر بردن تحمل، فرهنگ‌سازی انجام دهیم. طبیعتاً انتخاب این موضوع و قدم‌گذاشتن در این راه، چالش و سختی‌های فراوانی را به همراه دارد. برای ما این سختی‌ها، این بود که چون جامعه‌شناسی تخصص ما نیست. نوشتن مانیفستی که نکات فرهنگی و اجتماعی زیادی را بیان کند، احتیاج به مطالعات و مشاهدات زیادی داشت. همچنین به دلیل وجود مشکلات زیاد و متنوع فرهنگی و اجتماعی در خاورمیانه انتخاب و دسته‌بندی درست این مشکلات و پرداختن به آن‌ها دشوار بود. در انتها ذکر این نکته نیز ضروری است که برای به رسمیت شناخته‌شدن حق زنان در اداره جوامع و نقش کم و حاشیه‌ای آن‌ها در مدیریت در خاورمیانه ناراحت‌کننده بوده‌است و در نتیجه این مجموعه‌ی پوشاک برای بانوان طراحی می‌شود تا به این عدم حضور انتقاد شود.

پیشینه تحقیق پژوهش‌های نظری

مقاله‌ی بدن به مثابه‌ی رسانه‌ی هویت از آزاد ارمکی و چاوشیان. ۱۳۸۱

این مقاله، بدن را به مثابه حامل ضمیر نفسانی و مستقیم‌ترین واسطه هویت معرفی می‌کند و آن را به عنوان موضوعی برای نظریه و پژوهش اجتماعی مطرح می‌سازد.

پایان نامه کارشناسی ارشد فانی سالک^۱ با عنوان لباس وسیله بیانی هنرمند. ۲۰۰۵

این پایان نامه، به این نکته می‌پردازد که لباس با توجه به قدرت و بیان خاص خود و قرار گرفتن بر روی بدن، به عنوان اولین و قوی‌ترین دارایی هر فرد، بزرگترین مجموعه برای بیان هنرمند و به چالش کشیدن فضای اطراف تبدیل می‌شود. این مجموعه به صورت تابلویی متحرک علاوه بر دیده شدن در فضای عمومی و ارتباط تنگاتنگ با اجتماع، حساسیت هنرمند را در حد بالا نسبت به اطراف خود نشان می‌دهد و هنرمند را محصول زمان خود معرفی می‌کند.

پایان نامه‌های عملی مشابه (بازتاب مسائل فرهنگی_اجتماعی در طراحی)

پایان نامه کارشناسی طراحی مد الی رومرو^۲، موسسه پرت^۳ نیویورک. ۲۰۱۹

این مجموعه با الهام از تنش سیاسی کنونی میان آمریکای سفید و مهاجران، با یک برخورد طنزآمیز بین لباس‌های رسمی که مرد سفیدپوست و مهاجر اسپانیایی تبار را تعریف می‌کند، طراحی شده‌است. طراح عقیده دارد که آمریکا توسط مهاجران تأسیس شد تا بتوانند آزادانه زندگی کنند و پیشرفت کنند و امروز این موضوع از دست رفته‌است. با توجه به جو سیاسی امروز،

^۱ Fani Salek

^۲ Elie Romero

^۳ Paret



مهم است داستان کسانی را که تحت ستم هستند و به آنها فرصت‌های مشابه دیگران داده نمی‌شود، با مد انتقال داده شود. این مجموعه درگیری کنایی بین چیزهایی است که انسان سفیدپوست و مهاجر اسپانیایی تبار را تعریف می‌کند.



تصویر شماره ۱. مجموعه‌ی لباس الی رومرو

پایان نامه کارشناسی طراحی صنعتی محمد نظیفی، دانشگاه تهران. شهریور ۱۳۹۷

این پروژه طراحی یک مجموعه‌ی کفش زنانه بر اساس هویت تهران بود. هدف اولیه، ایجاد یک سبک بصری قابل تشخیص در صنعت کفش ایران بود. به نظر می‌رسید که تهران منبع الهام خوبی است. با این حال، به زودی فهمیده شد که خود شهر هویت شهری مشخصی ندارد؛ فضای آشفته تهران نتیجه جدا شدن شهر و مردم آن است. با رویکردی انتقادی مفهومی، مجموعه‌ای از قطعات چرمی که با قطعات فلزی معماری کنار هم قرار گرفته‌اند، طراحی شد که از نظر شکل و مواد شبیه یک درگیری باشد. ارزش مفهومی از شناخت و مطالعه عمیق بستر حاصل می‌شد و آنچه که در بستر شهر اتفاق می‌افتاد و زیست شهر را تشکیل می‌داد؛ نه فقط بررسی ظواهر شهر.



تصویر شماره ۲. مجموعه کفش محمد نظیفی



روش تحقیق

برای رسیدن به همهی آنچه که در این پژوهش مد نظر بود، نیاز به یک روش بود که بتواند به خوبی دغدغه‌ها و مسائل تئوری را در طراحی بازتاب دهد. متود انتخابی، برگرفته از کتاب اخلاق و زیبایی‌شناسی در طراحی^۴ است که تز دکترای فیلیپ رولند راس^۵ در دانشگاه آیدنهاون^۶ هلند بوده است.

این روش در واقع همان روش طراحی دانش بنیان یا متود استودیو لابراتوار متعلق به (یوهانس کورنلیس اوربیک)^۷، پایه‌گذار استودیو لابراتوار دانشگاه صنعتی دلفت و دانشگاه آیدنهاون است که در این تز دکتری نام‌برده استفاده شده است و اکنون در این پژوهش استفاده می‌شود.

این روش، از مطالعات در حوزه علوم اجتماعی استفاده می‌کند و الهام می‌گیرد تا محصولی را طبق مطالعات طراحی کند و صورت مساله‌ای را تحت عنوان جامعه‌شناسی خلاقیت در زیرساخت خود دارا می‌باشد. در این پژوهش نیز از جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای طراحی استفاده می‌شود و نتیجه مجموعه‌ای مفهومی است که نتایج به دست آمده و فرضیه‌های در نظر گرفته‌شده را می‌توان در آن دید و در واقع بازتاب مطالعات انجام شده است. جزئیات انجام کار هنری و چگونگی استخراج مفاهیم در این پژوهش نیز، توسط خود طراح تعیین می‌شود.

محصولات و سیستم‌هایی که ما استفاده می‌کنیم نحوه عملکرد ما در دنیا و نحوه تجربه دنیا را تغییر می‌دهند. یک تحول عمیق اجتماعی طراحی نیازمند این است که چگونگی هدایت مطلوب این تحولات اجتماعی، را در نظر بگیرد. رویکرد طراحی در این متود می‌تواند به عنوان طراحی از طریق تعامل زیبایی‌شناختی تعریف شود. به خاطر داریم هنگامی که از تعامل سخن می‌گوییم، ناخودآگاه تعامل را با مکالمه (دیالوگ)، گفت‌وگو و حتی دیالکتیک پیوند می‌زنیم. تلفیق رویکرد عملگرایی (پراگماتیسم) با نشانه‌شناسی چارلز سندرس پیرس راه جدیدی را برای طراحی می‌گشاید.

(peirce, charles sanders. ۱۹۹۴)

از نظر پراگماتیست‌ها (یا عملگرایان) تجربه زیبایی‌شناختی یک شیء بدون زمینه اجتماعی-فرهنگی آن قابل درک نیست. رویکرد این متود متناسب با سنت پراگماتیست^۸ یا اصالت عمل است. گنجاندن تعامل زیبایی‌شناختی، اهمیت فرم را تأیید می‌کند. محصولات و سیستم‌ها رفتار را به تصویر می‌کشند. اما چگونه می‌توانیم این رفتار را با هدف ایجاد ارزش در تعامل اجتماعی_ فرهنگی زیبایی‌شناسی طراحی کنیم؟

دعوت از رفتارهایی که با ارزش‌ها مطابقت دارند هدف اصلی این متود است. در این رویکرد قالب‌های، فیزیکی و اجتماعی در زیبایی‌شناسی پراگماتیست به هم آمیخته‌اند.

یافته‌ها

مسئله اولیه، نبود تنوع در پوشاک بانوان در تعامل با ارزش‌های انسانی_ اجتماعی است. قدری جلوتر رفته مشاهده می‌شود که مساله ظاهری در خاورمیانه در ارتباط با زنان، نبود بستر اجتماعی فرهنگی برای حضور اجتماعی زن در عین حفظ حرمت و

^۴ Ethics and aesthetics in intelligent product and system design

^۵ Philip Roland Ross

^۶ Eindhoven

^۷ Johannes Cornelis Overbeeke

^۸ Pragmatism: پراگماتیسم فلسفه‌ای است که اول بار در آمریکا پدید آمد و در تفکر و حیات عقلی این سرزمین تأثیر زیادی بر جای گذاشت. این فلسفه، روشی است در حل مسائل عقلی که می‌تواند در سیر ترقی انسان بسیار سودمند باشد.



کرامت اوست. ولی مساله اصلی وجود نداشتن بستری برای افزایش تحمل دیدگاه‌های مخالف و تحمل انتقاد در خاورمیانه است که باعث به‌وجود آمدن چالش‌های عدیده فرهنگی اجتماعی می‌شود و جامعه را به سمت تحجر می‌کشاند.

در اینجا عمداً واژه تحجر به کار رفته است، چون نقل قولی از پیر جماران را در پی دارد که چنین درد دل کرده است:

«خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است»^۹

آیت‌الله خامنه‌ای نیز ریشه تحجر را در اشرافیت و اشرافیت‌زدگی می‌داند. به عبارت تفسیری، اشرافیت برای حفظ جایگاه خود، دین وارونه شده و به پوسته تقلیل یافته را بر سر نیزه می‌کند تا جایگاه خود را حفظ کند و مقابل دین ناطق قرار دهد.

ضرورت مسئله

در منطقه‌ی خاورمیانه هنر مفهومی به دلایل گوناگون از جمله عدم پیشرفت تکنولوژی، وجود افراطی گر و تحجر و عدم ثبات اقتصاد به اندازه دیگر نقاط جهان رونق ندارد و در اکثریت کشورها عامه‌ی مردم با لباس به عنوان یک اثر هنری مفهومی برخورد نکرده و صرفاً به جنبه‌ی کاربردی آن توجه دارند.

ضرورت اصلی، نمایش ابعاد مسئله و انتقاد به آن است تا جامعه با آن‌ها آشنا شود. به دلیل تاثیرگذار بودن مد و مهم‌بودن آن در خاورمیانه تحت تاثیر قوانین پوشش، مفاهیم ازین طریق بهتر و عمیق منتقل می‌شوند اما پوشاک مفهومی، ایده‌ای نسبتاً جدید در خاورمیانه است و استفاده ازین ابزار برای بیان مفاهیم احتیاج به مطالعه‌ی بسیار و تلاش فراوان در جهت انتقال مفاهیم دارد.

مخاطب یا گروه هدف

واژه‌ی مردم برای طراحان واژه‌ای بسیار گسترده و شبهه‌ناک است و توان طراحی و تولید برای همچنین گستره‌ای وجود ندارد. بنابراین هر طراحی باید گروه و جامعه هدف مشخصی داشته باشد و بر اساس آن طراحی کند. گروه هدف برای طراحی مفهومی^{۱۰} و در نتیجه این پژوهش نیز، قشری هستند که برای هنر مفهومی ارزش قائل هستند و درکی از آن دارند و یا شاید در حوزه‌ی هنر نیز فعال باشند.

نکته‌ای که در مورد مخاطبان باید در نظر داشت این است که آن‌ها با یک تصویر و مفهوم کلی متولد شده با توجه به نوع ارائه‌ی لباس ارتباط برقرار می‌کنند که البته این اتفاق زمانی می‌افتد که انسجامی کلی بین پارامترهای لباس برقرار شود و توجه مخاطب را جلب کند تا تصویر کلی ساخته شده در ذهنش نزدیک به آن چیزی که طراح مد نظر داشته است، باشد.

طراح برای برقراری ارتباط بهتر با مخاطب، باید موانعی که در موقعیت اجتماعی خود می‌بیند را درک کند و بدون انکار آن‌ها تلاش کند تا موضع‌گیری خود را نسبت به آن‌ها داشته باشد و با توجه به موضوع، دیدگاه و ارزش‌هایی که برایش مطرح است را با ابزار طراحی بیان کند.

هنگام ساخت یک مجموعه‌ی مفهومی، به دلیل بالاتر بردن ارزش کار و هزینه‌ی بالاتر لباس‌ها، تعداد محدود است و بنابراین می‌توان مخاطبان را بهتر رصد کرد و بینش آن‌ها را مشاهده کرد و به شناختی از آن‌ها رسید.

بنابراین لزومی ندارد مخاطبان از سن خاص و جنسیت خاص باشد بلکه باید دغدغه‌ی فکری مشترک داشته باشند. روش نمایش لباس‌ها، با هنر اجرا و از طریق رویدادها، یا نمایش در موزه‌ها امکان‌پذیر است و با این کار می‌توان با مخاطبانی ارتباط برقرار کرد که حتی علاقه‌ای نزدیک به سینما و عکاسی دارند و نه صرفاً مخاطبان علاقمند به طراحی.

صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۲۷۸^۹

^{۱۰} conceptual



طراحی فرهنگی

استفاده از نمادها و عناصر مشترک فرهنگی و نوستالژی^{۱۱} در طراحی، می‌تواند تأثیر خوبی در بالابردن درک مخاطب داشته باشد ولی در عین حال می‌تواند حساسیت‌های زیادی را برانگیزد.

بحث و تحلیل یافته‌ها

چالش‌هایی که مسئله مطرح شده به وجود آورده‌اند:

- جوامع خاورمیانه تحت تأثیر سال‌ها جنگ قرار گرفته‌اند و از تغییرات رخ داده عقب مانده‌اند.
- افزایش تعداد سازمان‌های جامعه مدنی بیش از آنکه مشخصه "جامعه مدنی پر جنب و جوش" باشد، نشانگر تکه‌تکه شدن است. این تکه‌تکه شدن، در چارچوب همکاری محدود و افزایش رقابت، مستقیماً بر توسعه بلند مدت و تأثیر سیاست‌های نهادهای مدنی تأثیر می‌گذارد.
- شکل‌گیری جامعه مدنی در خاورمیانه، بر خلاف آنچه معمولاً تصور می‌شود، تنها مدیون تلاش مردانه نیست. مبارزات مدنی فراجنسیتی بوده و زنان علی‌رغم محدودیت‌های فراوانی که داشته‌اند، تمام تلاش خود را برای همکاری جهت دستیابی به اهداف مدنی کرده‌اند. اما در نهایت به دلیل بافت سنتی و مردسالار منطقه این تلاش‌ها کمتر دیده شده‌اند. در نتیجه تبعیض جنسیتی خود مشکلی بزرگ بر سر راه پیشرفت و دستیابی به مدنیت در کشورهای خاورمیانه بوده و هست.
- هرچه فرد محرومیت و احساس سرخوردگی بیشتری داشته باشد، تمایل بیشتری برای اعتراضات و خشونت سیاسی پیدا می‌کند. نقض‌های حقوق بشر زمینه پرورش تروریسم است و تحمل را پایین آورده است.
- در خاورمیانه روند جهانی شدن با مقاومت‌های فرهنگی-مذهبی زیادی روبرو گشته است. ملت‌های خاورمیانه با مقاومت در پی اثبات هویت ملی خود در برابر دیگران می‌باشند. رادیکال‌های خاورمیانه، مسائل فرهنگی را به امنیت گسترش داده و مسائلی چون دموکراسی و سکولاریسم را به چالش می‌کشند.
- رابطه بین استبداد حکومتی و عقب ماندگی، آن است که در یک نظام سیاسی استبدادی یک فرد یا حداکثر چند تن تصمیم گیرنده هستند. بنابراین صلاح یا فساد، عقب‌ماندگی یا پیشرفت آن جامعه محدود و منحصر می‌شود به توان عقلی آن یک یا چند نفر.
- از نظر تاریخی، اسلام یک پدیده فراملی و فراجامعه‌ای است که در تنوع خود از طریق گردش کالا، عقاید و مردم تولید می‌شود. اسلام برای بسیاری از مهاجران در غرب یکی از روش‌های جهانی و فراملی است اما از نظر غربی نیست. اینگونه نیست که مهاجران از کشورهای اسلامی بنیادگرایی را با خود به "جهان جدید" حمل کنند، بلکه برخوردها و تجارب فراتر از مرزها است که تفسیرهای جدیدی از هویت اسلامی را در پی دارد.
- ورود خاورمیانه به مدرنیته نه بر اثر فرایندهای داخلی، بلکه تحت تأثیر مدرنیزاسیون هدایت شده از بالا بود. در مدرنیزاسیون از بالا نهادهای اجتماعی نه متناسب با نیازهای موجود بلکه بر اساس الگوی فرضی غرب طراحی و تأسیس می‌شود. در چنین شرایطی، مدرنیسم تنها جایی مجال نشر و نما می‌یافت که مربوط به قشری‌ترین و ظاهری‌ترین اشکال مدرنیسم غربی باشد. تحت این الگوی توسعه است که با ارباب نخبگان فرهنگی و بازداشت فعالان سیاسی و انحلال احزاب موجود، سنت به عنوان آخرین سنگر، پناهگاه فعالان سیاسی می‌شود و زمینه‌ی خیزش اسلام سیاسی در اواخر دهه هفتاد فراهم می‌گردد.
- همچنین با مزوج شدن اندیشه اجتماعی با دین، جامعه‌شناسی فرصت می‌یابد بخشی از جوانان مذهبی جامعه را جذب کند. خطرات این رویداد می‌تواند مبهم شدن مرز دین و جامعه‌شناسی و فاصله گرفتن هر دو از منطق خویش باشد. تعارض میان سنت و مدرنیته در اندیشه و فرهنگ یکی از موانع فرهنگی - اجتماعی رشد جامعه‌شناسی است.

^{۱۱} Nostalgia



مسئله‌ی اصلی و ابعاد آن بررسی شد و مطالعات اجتماعی و فرهنگی در قالب مهم‌ترین اقداماتی که برای رسیدن به مدنیت در خاورمیانه تاکنون انجام شده، آورده شد تا دیدی جامع از آنچه که اتفاق افتاده داده شود. این مطالعات به عنوان پیش‌زمینه‌ای ذهنی برای الهام‌گرفتن در روند طراحی است.

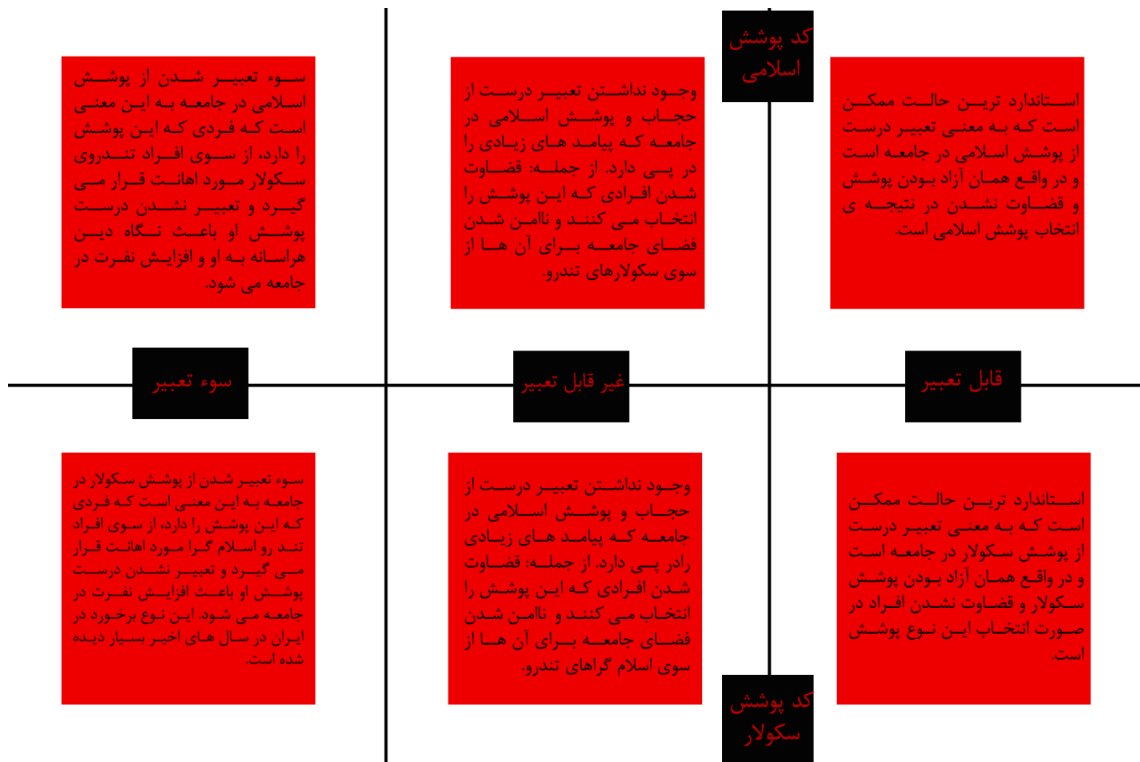
پیش از هرچیز از خواننده محترم به سبب ارائه گزارش‌هایی از وضعیت زنان خاورمیانه‌ای که شاید تا حتی با آنچه واقعا رخ می‌دهد، تفاوت داشته باشد، پوزش می‌طلبیم. نتیجه‌گیری را می‌توان در قالب‌های زیر دسته‌بندی کرد:

- چالش‌های پوشاک زنان، از چالش‌های مردان و چالش‌های مردان از چالش‌های ارزش‌های انسان- فرهنگی و مذهبی جدا نیست.
- متاسفانه نوعی دوگانگی تصنعی در میان جوانان خاورمیانه در حال تسری است که از یکسو نماد تجدد را در حذف حجاب و از سوی دیگر نماد ارزش‌مداری را در حذف زن تبلیغ می‌کند. این دوگانگی بر اساس اصل اول یاد شده در حال نهادینه‌شدن است.
- متاسفانه برخی ساختارهای آکادمیک مذهبی، مکالمه‌ناپذیری و نقدناپذیری را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند و زمان زیادی لازم است تا بتوان این مکالمه را به گونه‌ای سازنده بازخوانی کرد.

جداول، شکل‌ها و نمودارها

برای تفهیم بیشتر وضعیت منطقه و راهنمای راه، نقشه‌ی ادراکی برای یکی از چالش‌ها در خاورمیانه یعنی قوانین پوشاک، ترسیم می‌شود که نشان می‌دهد کدهای پوشش در خاورمیانه چگونه تعبیر می‌شوند و هر تعبیری چه عواقبی دارد. این تعبیر و دوگانگی و نبود وحدت، در اکثر جنبه‌های زندگی مردم خاورمیانه وجود دارد و چالش اصلی این پایان‌نامه برای ما، رسیدن از این وضعیت به وضعیتی است که دو گروه بتوانند بدون سوءتعبیرها در آرمش مدنی زندگی کنند.

شکل ۱. نقشه ادراکی کد پوشش و تدابیر آن





نتیجه‌گیری

طبیعتاً در هر پروژه‌ی طراحی که هدفی مفهومی دارد، ممکن است دریافت عین مفهومی که در ذهن طراح است، برای مخاطبان شدنی نباشد و آن‌ها برداشت متفاوتی داشته باشند؛ بنابراین قطعیتی وجود ندارد و نمی‌توان مخاطب را مجبور به انجام کاری کرد؛ ما به عنوان طراح، صرفاً وظیفه‌ی نشان دادن امکان‌ها با استفاده از کارم را داریم تا بتوانیم فرهنگ جامعه را ارتقا دهیم پس کاری که انجام می‌شود، تلاش حداکثری برای نزدیک کردن مفاهیم تئوری مورد نظر به فرم نهایی است. این همان روندی است که توسط متود انتخاب شده برای استفاده در این پژوهش پیشنهاد شده است که یک روند آهسته از مطالعات و مشاهدات به محصول نهایی است.

از آنجایی که منطقه‌ی خاورمیانه در زمینه‌ی هنر و مد مفهومی پیشرفت چندانی نداشته است و سال‌ها جنگ و دوری از شرایط نرمال، توانایی اندیشیدن به مفاهیم عمیق اجتماعی فرهنگی و برداشت آن‌ها بعد از نگاه کردن به پوشاک را از مخاطب گرفته است. این دقیقاً همان‌جایی است که روش انتقال مفاهیم مهم می‌شود و در نتیجه ماتصمیم گرفتیم تا به جای طراحی پوشاکی که صرفاً کاربردی یا زیبا باشند و چشم مخاطب را خیره سازند و نیاز اولیه‌اش را برطرف سازند، پوشاکی طراحی کرده و بسازم که ذهن مخاطب را نیز درگیر کند. این همان هدف والا است که جانداختن مد مفهومی و نگاه کردن به مفهوم لباس در قالب یک رسانه و فراتر از یک نیاز اولیه در منطقه خاورمیانه است.

ما معتقدیم برای رسیدن به تغییری که ماندگار و درست باشد، باید ابتدا اصلاحاتی از درون جامعه و بین مردم شکل بگیرد و بالا رفتن آگاهی نسبت به حقوق خود و از بین رفتن نفرت و خشونت در باز پس‌گیری آن‌ها و دوری از قهرمان‌سازی از مهم‌ترین قدم‌هاست. دیزاین به معنای واقعی آن، وظیفه‌ی برقراری تعامل را دارد؛ تعاملی که در اینجا بین توده‌های مختلف مردم با عقاید متفاوت و سیاست‌مداران آن‌ها برقرار می‌شود و هدفش نمایش وضعیتی است که مردم خاورمیانه در آن به حقوق مدنی خود دست‌یافته‌اند.

یکی از بزرگ‌ترین موانعی که بر سر راه این تعامل قرار دارد، به رسمیت نشناختن تنوع است، در این منطقه، افراد با سبک زندگی یا پوشش یا خواسته‌های مدنی کمی خارج از عرف، قضاوت می‌شوند و از خواسته‌های آن‌ها سوءتعبیر می‌شود و به مرور این افراد از طرف بخشی از جامعه یا حکومت‌های خود ترد شده و در نهایت، احساس حذف شدن می‌کنند. نمونه بارز این اتفاق، کم‌رنگ شدن نقش زنان در حرکت‌های مدنی، نادیده‌گرفته شدن حقوقشان و سرکوب‌شدن خواسته‌هایشان است که البته این کار در خاورمیانه با نامن کردن جامعه برای زنان، وضع‌کردن قوانین پوشش و اشتغال و محو کردن زن در قالب خانواده صورت گرفته است.

در نتیجه، به عقیده‌ی ما به عنوان طراح معطوف به فرهنگ- که دغدغه طراحی برای زنان را نیز به واسطه حضور زن در بین دارد- یک اصل کلی باید حکم‌فرما شود:

باور به اینکه دیگری مثل ما فکر نمی‌کند و باید اجازه‌ی تعبیر و تفسیر متفاوت از مسائل مختلف را به او بدهیم و در انتها، ما باید بتوانیم با هم مکالمه کنیم و در کنار هم زندگی کنیم بدون اینکه هیچ‌کدام قصد حذف و سانسور دیگری را داشته باشیم.

ما اعتقاد داریم تا وقتی این اصل در ذهن مردمان و یا شاید حتی حاکمان خاورمیانه تثبیت نشود، یک زندگی نرمال با قوانین مدنی و انسانی وجود نخواهد داشت. در وضعیت کنونی همچنین، سنت و مدرنیته روبروی هم قرار گرفته‌اند و هر دو به ستوه آمده‌اند. مدرنیته در خاورمیانه، توسط دولت‌ها و حکومت‌ها بدون به وجود آوردن زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن و با تقلید چشم‌پسته از غرب به وجود آمده و سنت در واکنش به آن، تندروی مذهبی را رواج داد و عقاید مخالف را سرکوب کرد. در نتیجه‌ی این درگیری و تندروی‌ها در سال‌های اخیر، تمدن در خاورمیانه به ارزش‌های اولیه‌اش تقلیل یافته‌است و به جای ارزش‌ها و اهداف والا، ملی‌گرایی افراطی یا تفکیک عقاید مهم‌ترین مسائل می‌شوند و بنابراین به مرور زمان، ارتجاع به وجود آمده و تمدن انعطاف خود را از دست می‌دهد و از هم می‌پاشد. هدف ما، جانداختن اصل پذیرش عقاید متفاوت به منظور جلوگیری از رسیدن به فروپاشی‌ای است که بیان کردیم.



در اینجا هدف طراحی دو مجموعه‌ی لباس متضاد است که این دو چهره و تبدیل آن‌ها به یکدیگر را نشان دهد.

این مجموعه‌ی پوشاک، یک مجموعه‌ی کیسولی است. اجزای تشکیل‌دهنده این مجموعه شامل کفش، نقاب (پاکلاه)، گردن‌آویز، دستبند و پیراهن است.



مجموعه‌ی منفی:

این ست پوشاک اسارت، تحجر، محدودیت، عدم تحمل و خوف را به نمایش می‌گذارد. دستبندی الهام‌گرفته شده از دستبند زندانیان دارد، پیرهن آستین‌هایی دارد که فیگور توانایی تکان خوردن در آن را ندارد و یقه‌ای بسته و محدود کننده و فرمی کمی شبیه میله‌های زندان دارد. کفش نیز همان محدود شدن و زندانی بودن را تداعی می‌کند. گردن‌بند نشان دهنده تضاد و عدم تحمل عقاید غیر است. نقاب نیز همین تضاد مخرب و محدود شدن را با دو فرم متضاد که یکی دیگری را محدود کرده به نمایش می‌گذارد.



مجموعه ی مثبت:

این ست پوشاک آزاد بودن، مدنیت، تحمل و عدم محدودیت را به نمایش می‌گذارد. اجزا شامل نقابی به شکل کتاب است که دوری از جهل است، پیراهن دامن و آستین‌هایی چین‌دار و فرمی آزاد و منحنی دارد و یقه به گونه‌ای فرم چنگی که نواخته می‌شود و تعادل را باز می‌گرداند را دارد؛ کفش چند لایه و عمیق است و فرهنگ عمیق و عقاید پیچیده‌ی انسان را نشان می‌دهد؛ گردنبند فرمی محافظت‌کننده و ایمن و در عین حال بدون محدودیت می‌سازد و دستبند، به فرمی منحنی، رگ را تداعی می‌کند.

این فرم‌ها نماینده فردی منعطف و مدنی و متمدن است که این رفتارها جزئی از وجودش شده‌اند (اشاره به رگ دست) و دیگر محدودیت‌های بیرونی از سوی اجتماع و جهل و تحجر درونی را بازتاب نمی‌دهد.





- منابع انتهای مقاله:

چاوشیان، حسن؛ آزاد ارمکی، تقی؛ ۱۳۸۱، بدن به مثابه رسانه هویت، جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم - شماره ۴، ISC صفحه ۷۵ تا ۵۷

ندائی فرد، احمد. ۱۳۸۶. هویت فرهنگی و نقش آن در طراحی محصولات. هنرهای زیبا مقاله ۳، دوره ۳۰، شماره ۳۰ - شماره پیاپی ۱۵۲۲.

آل احمد، جلال. ۱۳۴۱. غرب زدگی. انتشارات فردوس

مایکل، توماسلو. ۲۰۰۹. ریشه‌های فرهنگی شناخت انسانی. ترجمه محمد نصیری.

زیباکلام، صادق. ۱۳۷۷. ما چگونه ما شدیم، ریشه‌یابی عوامل عقب‌ماندگی در ایران. ویراست سوم. تهران: انتشارات روزنه.

ویل کاکس، روت ترنر. ۱۳۷۲. تاریخ لباس؛ ترجمه شیرین بزرگمهر. تهران؛ توس.

قره‌قربیی، رضا. ۱۵ شهریور ۱۳۹۸. تغییرات لباس زنان ایرانی در طول تاریخ. برگرفته از:

<https://www.karnaval.ir/blog/womens-clothing-history-change>

Ross, P. R. (۲۰۰۸). Ethics and aesthetics in intelligent product and system design. Technische Universiteit Eindhoven.

Fani Salek, A. (۲۰۰۵), Clothes as a mean for Artist's expression. Unpublished master's thesis, Marc bloch Strasbourg University, France.

Peirce, Charles Sanders. ۱۹۹۴. Peirce on signs: writings on semiotic. University of north carolina press.

Malpass, Matt (۲۰۱۳). "Between Wit and Reason: Defining Associative, Speculative, and critical Design in Practice". Design and Culture. ۵:۳, ۳۳۳-۳۵۶.

Sabine Madsen, Lene Nielsen. Exploring Persona-Scenarios - Using Storytelling to Create Design Ideas. ۲۰۰۹. Second IFIP WG ۱۳,۶ Conference on Human Work Interaction Design: Usability in Social, Cultural and Organizational Contexts (HWID), pp.۵۷-۶۶.

Ellinger, Theodor (۱۹۹۶), Die Informationsfunktion des Produktes, Bergisch Gladbach Verlag, Koln.

nazifi, mohammad. September ۲۰۱۸. ANTI-CITY V. ۲. Retrieved from:

<http://www.mohammadnazifi.com/anti-city.html>

romero, elie. ۲۰۱۹. BIENVENIDOS A LOS ESTADOS UNIDOS. Retrieved from: <https://www.elieromero.com/>